

# بررسی تحلیلی و نقادانه مفهوم و شاخصه‌های علم دینی در تمدن اسلامی از دیدگاه دکتر سیدحسین نصر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۶ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

سیدمهدی سلطانی رنانی\*

## چکیده

از مسائل مهم در عرصه علوم انسانی که جایگاه مهمی در حوزه علم و دین داشته و در دهه‌های اخیر نیز میان محققان داخلی دارای موافقان و مخالفانی بوده است، موضوع علم دینی می‌باشد. در این باره پرسش از اسلامی‌سازی علوم و توجه به موضوع علم دینی برای متفکران اسلامی به‌طور جدی مطرح شده است؛ به‌گونه‌ای که درباره آن نظریات گوناگونی ارائه داده‌اند. از جمله این اندیشمندان، دکتر سیدحسین نصر است.

وی بر این باور تأکید دارد که علم دینی از عناصر کلیدی تمدن نوین اسلامی خواهد بود و علوم جدید غربی نیز در این تمدن کارایی نخواهد داشت؛ بنابراین با نقد مدرنیته و به چالش کشیدن تجددگرایی، رجوع به سنت و احیای علم مقدس را عنوان کرده و در عین توجه به میراث

---

\* استادیار گروه معارف و تربیت اسلامی پردیس شهید باهنر دانشگاه فرهنگیان اصفهان  
(mahdi.soltani224@gmail.com).

گنشتگان، علوم موجود در غرب را در شکل‌دهی و تمدن اسلامی دارای نقشی برجسته دانسته است.

سعی نویسنده در مقاله حاضر آن است که با رویکرد توصیفی - تحلیلی به مفهوم و ماهیت‌شناسی علم دینی و جایگاه و ظرفیت آن در تمدن اسلامی از دیدگاه دکتر سیدحسین نصر بپردازد و با بیان نقاط قوت و ضعف نظرگاه وی در این موضوع، آن را نقد و تحلیل نماید. از دستاوردهای مهم مقاله حاضر، ارائه رویکردهای جدید، تحلیلی و نقادانه اندیشه‌های دکتر نصر در موضوع علم دینی و شاخصه‌های آن می‌باشد؛ مانند توجه به فرهنگ‌سازی علم قدسی با تأکید بر سنت و حکمت خالده و طرح مسئله احیای تمدن اسلامی در اندیشه دکتر نصر و تحلیل و بررسی آن.

واژگان کلیدی: علم، علم دینی، علم سنتی، علم قدسی، تمدن اسلامی، دکتر سیدحسین نصر.

## مقدمه

بحث و بررسی درباره علم دینی از جمله مسائلی است که مبتنی بر پیش‌فرض مذکور و بیانگر قرائت‌های گوناگونی می‌باشد؛ اگرچه در ابتدا برای رهایی از معضل رابطه علم و دین و حل آن مطرح شد (فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۷، ص ۷۴-۷۷)؛ هرچند امروزه فراتر از آن، خود به یک مسئله اساسی در جامعه علمی تبدیل شده است و قائلان به آن درصدد برقراری رابطه میان علم و دین و عدم ایجاد چالش میان ارزش‌های دینی با علم و علم‌ورزی‌اند. در میان قرائت‌های مطرح‌شده از موضوع مذکور، دیدگاه سیدحسین نصر از جمله دیدگاه‌هایی است که به مسئله تمدن اسلامی نیز نظر



دارد و با رویکرد واقع‌بینانه و حقیقت‌گرا راهکارهایی برای آن مطرح می‌کند و معتقد است کار ویژه علم در این عرصه، به‌عنوان یکی از جلوه‌های مهم عقلانیت بشری، تأمین‌کننده معرفت انسانی و بیانگر نسبت عقل و دین می‌باشد (سلطانی رنای، ۱۳۹۷، ص ۲).

مقاله حاضر با هدف بررسی دیدگاه دکتر سیحسین نصر درباره علم دینی و شاخصه‌های آن، به امید کشف پهنه‌های جدید و گشودن افق‌های نوین در این حوزه به‌رشته تحریر درآمده است. مهم‌ترین پرسش‌های بنیادی در آن عبارت است از:

۱. مفهوم علم، دین، علم سنتی، علم قدسی و تمدن اسلامی به‌مثابه مفاهیم کلیدی در نظریه علم دینی از دیدگاه دکتر سیحسین نصر چیست؟
۲. مقصود از علم دینی در اندیشه دکتر سیحسین نصر چیست و چه شاخصه‌هایی دارد؟
۳. نوآوری‌های دکتر سیحسین نصر و به‌عبارتی نقاط قوت و ضعف وی در ارائه و تبیین چیست؟

### ۱. مفهوم نظریه علم دینی

اطلاعات لازم در مقاله با مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با رویکرد انتقادی به بررسی موضوع و تجزیه و تحلیل آن پرداخته شده است؛ بنابراین روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر رویکرد انتقادی است.

اگرچه دکتر سیحسین نصر، الگویی ابداعی و برخوردار از نوآوری، ابتکار، احیاگرانه و دارای بار ارزشی در نظریه علم دینی ارائه کرده

است، ولی به جهت اتکا بر برخی مفروضات نادقیق و به دلیل نادیده گرفتن برخی مسائل در این باره، نمی‌تواند یک الگوی معیار و موجه و کامل محسوب گردد.

زمینه‌های تحقیق پیش رو را می‌توان در مباحث گوناگون فلسفی و تفسیری دنبال و مشاهده کرد. در منابع ذیل که مهم‌ترین دیدگاه‌های دکتر سیدحسین نصر در موضوع علم دینی در آنها ذکر شده است، می‌توان به ماهیت، چیستی و شاخصه‌های علم دینی در بیان و نظر ایشان دست یافت؛

#### الف) کتاب‌ها:

- آسیب‌شناسی تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های سیدحسین نصر از سیدعلیرضا عالمی.
- روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی از احمدحسین شریفی.
- هویت علم دینی از خسرو باقری.
- تحلیلی بر اندیشه‌های علم دینی در جهان اسلام از سیدمحمدتقی موحد ابطحی.

#### ب) مقاله‌ها:

- سنّت، عقلانیت و دیانت؛ گفت‌وگو با سیدحسین نصر.
- معرفت جاودان؛ مجموعه مقالات از سیدحسین نصر.
- معنویت و علم، همگرایی و واگرایی از سیدحسین نصر.
- بررسی و نقد دیدگاه‌های سیدحسین نصر درباره علم اسلامی از محمد قمی اوپلی.
- علم دینی و سنّت از نگاه دکتر نصر از منوچهر دین‌پرست.
- نقد و بررسی چالش‌های علم مدرن از دیدگاه دکتر سیدحسین نصر از رشید قانع و سیدحسن حسینی.

- بررسی تطبیقی رهیافت آیت‌الله جوادی آملی و دکتر نصر در علم دینی تمدن‌ساز از ابونذر رجبی.

- بررسی دیدگاه‌ها درباره چبستی علم دینی از علی ربانی گلیپایگانی.

مباحث تازه در این حوزه علمی و تخصصی، وامدار اشاره‌ها و نکته‌هایی است که به‌خوبی حقیقت موضوع را روشن کرده و دریچه‌هایی نو از پژوهش‌های مفید و کاربردی را به روی محققان می‌گشاید. ارائه منسجم و بنیادی مفهوم و شاخصه‌های علم دینی از دیدگاه سیدحسین نصر مبتنی بر نکات کاربردی و تحلیلی مطلوب و نیز اشاره به رویکردهای جدید و نقاط قوت و ضعف وی در موضوع مذکور، از نوآوری‌های شکلی و محتوایی این مقاله است که در مقالات دیگر یا اشاره نشده یا به‌شکل کنونی تحلیل نگردیده است.

## ۲. مفاهیم محوری

دین: در تعریف عام، دین را می‌توان مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، فقه الهی و غیرالهی دانست. در این معنا مقصود از دین، مکتبی است با مجموعه‌ای از مقررات اجرایی، عقاید و اخلاق که به‌منظور راهنمایی انسان در مسیر سعادت‌مندی ارائه شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص ۲۴). در تعریف خاص، دین عبارت از مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، حقوق و فقه الهی است که فرایندهای نظری و عملی را با مشاهدات باطنی، ادراک و آن را تجربه دینی قلمداد می‌نماید. این معنا مترادف با دین حق بوده که از جانب خداوند نازل شده است و به‌صورت حکمت عملی و نظری ارائه می‌شود (همو، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵/ سلطانی رنایی،



۱۳۹۷، ص ۴).

دین از نظر دکتر نصر با مسئله سنت ارتباط دارد و در مجموعه سنت معنا می‌یابد. وی بدین جهت در قالب دین از گفتمان سنت یاد می‌کند، اما مقصود از سنت را عمدتاً به معنای فرایند واگذاری و انتقال می‌داند (نصر، ۱۳۸۵، ب، ص ۱۵۵-۱۵۶) و در تمامی فعالیت‌های خود بیش از گفتمان تجددستیزی به دین‌پژوهی می‌پردازد و با تأکید بر عرفان اسلامی و آیین‌های شرقی درصدد حل معضل دنیای جدید غرب است و ادیان بزرگ جهان مانند اسلام و مسیحیت و یهود را دارای حقیقت مشترک می‌داند و سرچشمه آنها را حقیقت واحدی می‌شمرد که دارای سلسله مراتبی است (نصر، ۱۳۸۶، ص ۲۰-۲۶ / رجعی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۶). او به نبوغ معنوی خاص هر دین و یگانگی آن واقف بوده و اصرار می‌ورزد و وحدت ادیان را وحدتی متعالی و ورای صور و مظاهر بیرونی می‌داند (نصر، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴).

به‌باور دکتر نصر، دین ظاهر و باطنی دارد، ولی ساحت باطنی ادیان از اهمیت بیشتری برخوردار است. باطن دین، وی را از ظاهر آن غافل نمی‌سازد و کثرت صوری ادیان را دلیل محکمی بر واقعیت امر قدسی و جهان‌شمولی حقیقت مطلق می‌داند (نصر، ۱۳۷۹، ب، ص ۱۱۵ / همو، ۱۳۸۳، ص ۷۵ / همو، ۱۳۸۵، ب، ص ۵۴۰).

دکتر نصر به رویکرد اجتماعی دین نظر دارد و برخلاف نگاه رایج در تفکر غربی از دین سیاسی دفاع می‌کند. او در برخی آثار خویش به جامعیت دین اقرار می‌کند و اسلام را دین تمام زندگی می‌داند و می‌گوید: اسلام، همانا نفس زندگی است ... که دربرگیرنده تمام جهات و جوانب



زندگی انسان است و هیچ امری خارج از شمول و اطلاق آن نمی‌ماند (نصر، ۱۳۷۹، ج، ص ۲۱-۲۲/رجبی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷).

تمدن اسلامی: از دیدگاه سیدحسین نصر، تمدن اسلامی عبارت است از یک تمدن حقیقی که همه جنبه‌های آن انسان را متوجه خداوند و فطرت خویش سازد؛ به‌گونه‌ای که او بتواند نقش جانشینی خداوند را که به‌سبب آن در زمین استقرار یافته، برآورد. از دیدگاه اسلامی ارزش هر تمدنی باید بر اساس تحقق هدف نهایی انسان در زمین باشد، نه بر چیز دیگر (نصر، ۱۳۷۹، ب، ص ۱۱۶). دکتر نصر معتقد است نشانه تمدن اسلامی، یک نهر جاری نیست، بلکه خانه مکعب کعبه است که ثبات آن نمودار خصلت ابدی و تغییرناپذیر اسلام است (نصر، ۱۳۸۳، ج، ص ۲۶۷-۲۶۸). همین اصول و خصلت‌های جاودانه به اسلام اجازه داد اندیشه‌هایی را که با روح اسلام سازگاری داشت، از منابع گوناگون به خود جذب کند، درحالی‌که هیچ خدشه‌ای به کلیت و اصول تغییرناپذیر آن وارد نمی‌سازد (نصر، ۱۳۸۴، ص ۱۱-۱۲/عالمی، ۱۳۸۹، ص ۵۳-۵۵).

علم: معنای اصلی و نخستین آن، دانستن در برابر ندانستن است. در معنای دیگر علم منحصرأ به دانستنی‌هایی اطلاق می‌گردد که به تجربه مستقیم حسی مبتنی است و آزمون‌پذیرند. در اصطلاح علم را می‌توان مجموعه فعالیت‌های منظم و منسجمی دانست که به‌کمک آن واقعیت‌های جهان خارج در کنار یکدیگر نهاده می‌شوند (دلاور، ۱۳۷۸، ص ۳/بهنیافر، ۱۳۸۸، ص ۳).

### ۳. علم و اقسام آن در اندیشه دکتر نصر

در آرا و اندیشه‌های دکتر سیدحسین نصر، از «علم جدید، علم سنتی، علم



قدسی و علم دینی» نام برده شده و سخن بهمیان آمده است.

### ۳-۱. علم جدید

دکتر نصر معتقد است: علم جدید، معنای علم را منحصر در روش تجربی دانسته و فقط علم به معنای Science را علم تلقی می‌کند؛ یعنی علم را منحصر در روش تجربی می‌داند و همه علوم حتی علوم انسانی را با این معیار می‌سنجد (نصر، ۱۳۷۷، الف، ص ۵۲/ همو، ۱۳۸۵، الف، ص ۲۵)، ولی علم در معنای سنتی به مفهوم رایج امروزی آن یعنی علم (Science) نیست. از اشتباهات برخی مسلمانان آن است که این معنا را با آنچه در قرآن و سنت اسلامی آمده است، یکی گرفته‌اند (نصر، ۱۳۷۷، الف، ص ۴۸/ همو، ۱۳۹۷، ص ۱۰۸).

دکتر سیدحسین نصر علم جدید را دارای رویکرد به مدرن و مدرنیسم می‌داند و مبانی و نظام ارزشی آن را مورد انتقاد قرار داده است. از دیگر انتقادهای او به این علم، در نحوه نگرش آن به مذهب و دین بوده که یک نگاه بی‌طرفانه در مورد مذهب اتخاذ نموده است. همچنین از لحاظ مبانی انسان‌محور بودن و مادی‌گرایانه بودن، علم جدید مورد انتقاد اوست؛ زیرا او معتقد است در این نوع علم، جنبه قداست و الهی علم از میان رفته است (نصر، ۱۳۹۲، ص ۷۳-۷۴) و در تعریفی که از علم ارائه شده، هر معرفتی را که آزمون‌پذیر باشد و از طریق حسی به دست آید، علمی دانسته‌اند و آنچه را که از منبع حسی تغذیه نگردد و قابل تجربه و آزمایش نباشد، غیر علمی قلمداد کرده‌اند. در حقیقت ثمره نظام معرفتی حاصل از این علم، جدایی دانش از ارزش بوده و غلبه‌نوعی جهان‌بینی و ارزش مادی و دنیاگرایانه



در آن سبب شده است انسان یک موجود مادی بدون قداست الهی در نظر گرفته شود (مهدوی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۸-۲۴۲/ قمی اویلی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۰-۱۹۱).

دکتر سیدحسین نصر علم جدید را وامدار علم غربی می‌داند و معتقد است:

باید علم غربی را با مبانی اسلامی مورد نقد قرار داد و نباید از انتقاد علم غربی امتناع ورزید و آن را استمرار علم اسلامی دانست؛ زیرا علم غربی و علم اسلامی دارای مبانی جدا از هم هستند؛ به طوری که مبانی و نظام ارزشی علم جدید خطر و تهدیدی جدی برای نظام ارزشی اسلام می‌باشد. تمدن غربی نیز با مبانی این علم نوعی انسان باوری غربی مبتنی بر انسانیت بی‌کانونی را ترویج داده و با رویکرد مادی‌گرایانه مدرن، انسان معاصر را دچار بحران معنویت و از خود بیگانگی نموده است (نصر، ۱۳۸۲، ص ۲۴۷).

وی در مورد پیامدهای منفی و نتایج نامطلوب علم جدید نیز این موارد را بیان کرده است:

تخریب سریع جامعه متجدد، تخریب فرهنگ بشری بر اثر معارضه با اختراعات و مصنوعات انسانی، تخریب محیط طبیعی و طبیعت، نابسامانی‌های روانی و فرهنگی ناشی از آثار منفی صنعتی شدن بر محیط زیست و سبک زندگی انسانی، ویرانه شدن باور به طبیعت و اصابت یافتن اهداف و نیازهای مادی انسانی در بهره‌وری از آن، تحویل‌گرایی یا فروکاستن همه چیز به ماده بی‌روح و سپس انرژی بی‌پایان، گسست معرفتی، غفلت از سلسله مراتب طولی هستی، کمیت‌گرایی به جای توجه به





جنبه‌های کیفی، قداست‌زدایی، وجود بحران‌های اخلاقی، روحی و معنوی (ر.ک: همو، ۱۳۷۵، صص ۱۸۴، ۲۷۳ و ۲۷۹ / همو، ۱۳۷۷، صص ۱۱۹-۱۲۱ / همو، ۱۳۷۹، صص ۲۲۶ / همو، ۱۳۸۵، صص ۴۰-۴۱ و ۴۱۴ / همو، ۱۳۸۹، صص ۵۴۰-۵۴۴).

دکتر سیدحسین نصر در بیان ویژگی‌ها و رویکردهای علم جدید این نکته را نیز توضیح می‌دهد که علم جدید با نگرش پوزیتویستی خود هرآنچه را که برتر از عالم ماده یا از منبع معرفتی وحی و عقل شهودی سرچشمه گرفته باشد، انکار می‌کند یا آن را مهمل دانسته است. دلیل این رخداد فروکاستن قلمرو واقعیات و معرفت به‌وسیله علم جدید است؛ چراکه این اقدام مقدمه است برای دنیوی‌کردن جهان و گسترش لادری‌گری. علم جدید با چشم‌پوشی از وجود پُرشمار یک واقعیت و ارجاع و تحویل رمزها به امور واقع، درحقیقت قداست را از معرفت و واقعیت می‌ستاند و دین را در حد اصول اخلاق فردی و امری شخصی تنزل داده و معنا می‌دهد (همو، ۱۳۸۲، صص ۱۴۱-۱۴۲ / همو، ۱۳۸۴، ب، صص ۲۷۱ / مهدوی، ۱۳۹۱، صص ۲۶۳ / قمی اویلی، ۱۳۹۶، صص ۱۹۳-۱۹۴ / بستان، ۱۳۹۱، صص ۵).

### ۳-۲. علم سنّتی (سنّت)

از دیدگاه دکتر نصر، علم سنّتی (سنّت) علمی است که بیش از اندازه واقعی است و دربردارنده دو مفهوم امر قدسی و گسترده‌بودن در تمامی دوران بشر است. سنّت در معنای فنی خود به‌مفهوم حقایق یا اصولی دارای منشأ الهی و به‌مثابه درختی است که ریشه‌های آن به‌واسطه وحی در ذات الهی جای دارد و تنه و شاخه‌های آن در طول دوران متمدنی رشد و نمو



یافته و بروز آن در قالب تمدن است (نصر، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶).  
 دکتر نصر باتوجه به علم سنتی و اهمیت آن، بر سنت اسلامی تمرکز  
 نموده و پروژه احیای سنت را در قالب این علم یکی از محورهای اساسی  
 و راه حل بحران معنویت عصر حاضر دانسته است. او معتقد است با  
 احیای سنت می‌توان بحران‌های ناشی از تجدد را رفع نمود و آینده بهتری  
 را برای بشر امروز تحقق بخشید. مقصود از سنت در این پروژه، یک  
 سنت جاویدان و آگاهانه است که پایان ندارد و در همه دوران‌ها خواهد بود  
 و به دلیل ارتباط با ماوراءالطبیعه تغییرناپذیر است. سنت اسلامی که یکی  
 از سنت‌های زنده‌ای است که در این پروژه می‌تواند به مرحله عمل و اجرا  
 درآید. تلاش دکتر نصر در این مسیر آن است تا تصویر کاملاً روشنی از  
 اسلام سنتی ارائه دهد که شامل قرآن کریم، آموزه‌های وحیانی، تفاسیر  
 سنتی از قرآن و نیز سنت پیامبر ﷺ و احادیث وی شود. او معتقد است  
 احیای سنت فقط در محدوده دین و ماوراءالطبیعه نیست، بلکه در علوم  
 تجربی و هنر نیز جریان دارد (همان، ص ۱۶۵ و ۲۴۸ / همو، ۱۳۸۶، ص ۲۲،  
 ۴۲۰).

#### ۴. علم دینی، شاخصه‌ها و نقش آن در تمدن اسلامی

علم قدسی: دکتر نصر در آثار خود، بیشتر از اصطلاح علم قدسی برای  
 موضوع علم دینی استفاده می‌کند؛ بدین‌جهت ابتدا بیان مفهوم علم قدسی و  
 رویکرد دکتر نصر درباره آن ضروری به‌نظر می‌رسد.  
 دکتر نصر علم قدسی را در بستر حکمت خالده تعریف می‌کند و  
 توضیح می‌دهد و از ارتباط نزدیک این مفهوم با سنت پرده برمی‌دارد.

او حکمت خالده را با عنوان جاودان و حکومتی ازلی و ابدی معرفی می‌کند و معتقد است در قلب همه سنت‌ها جریان دارد و آن را معرفتی بی‌پایان و همیشگی می‌داند که با عقل شهودی قابل اکتساب است. به‌باور او حکمت جاوید، شاخه‌ها و انشعابات مربوط به کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، هنر و دیگر رشته‌ها را دارد، اما در بطن آنها مابعدالطبیعه محض نهفته است (همو، ۱۳۸۶، ب، ص ۱۰۳-۱۰۴).

از دیدگاه دکتر نصر، نکات ذیل در شناخت و معرفی علم قدسی قابل تبیین است:

- حکمت خالده، خصیصه جهان‌شمول دارد؛ یعنی اولاً، در میان اقوام و ملل گوناگون در سرزمین‌ها و اعصار گوناگون موجود است؛ ثانیاً، با اصول جهان‌شمول سروکار دارد. این حکمت فقط به‌وسیله عقل شهودی حاصل می‌گردد، بلکه تنها راه فهم آن همان سنت‌هایی است که این معرفت در بطن و قلب آن قرار دارد؛ بنابراین علم قدسی به‌واسطه عقل کلی و شهودی قابل درک است (همو، ۱۳۷۹، صص ۴۲ و ۱۶۸).

- در علم قدسی بر خلاف علم جدید، وحدت بر تمامی علوم حاکم است و رویکرد جزئی‌نگری در آنها وجود ندارد (همو، ۱۳۵۹، ص ۲۰-۱۹ / رجبی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۸).

- علم قدسی تابعی از امر قدسی است و امر قدسی یک واقعیت اصیل و پایداری است که هرکس به آن دست یابد، می‌تواند امور واقعی را از امور غیرواقعی تمییز دهد (همو، ۱۳۸۰، ص ۲۱۳ / همو، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷).

- علم قدسی امکان تحقق به اوصاف متعالی امر قدسی را در اختیار انسان قرار می‌دهد.



- علم مقدس چیزی نیست، مگر آن معرفت قدسی که در دل هر وحی، موجود است و مرکز آن دایره سنت را دربرمی‌گیرد و آن را تعیین و تحدید می‌کند؛ بنابراین علم قدسی علمی است که اولاً، وحیانی بوده و ریشه در ذات الهی دارد؛ ثانیاً، علمی حضوری و شهودی است و همان‌گونه که ذکر شد، با عقل شهودی قابل اکتساب است؛ ثالثاً، علمی عقلانی است، یعنی منطبق با عقل انسانی می‌باشد؛ رابعاً، همان معرفت روحانی است یا به عبارتی نوعی متافیزیک و مابعدالطبیعه است؛ مشروط به اینکه به‌طور صحیح و به‌عنوان علم غایی درمورد حق آن را ادراک کرده باشیم (همو، ۱۳۸۳، الف، ص ۲۷۱/ همو، ۱۳۸۲، ص ۲۵/ قمی اویلی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۳).

نکته دیگر در بحث از علم قدسی در اندیشه سیدحسین نصر، نماد یا زبان رمزگونه این علم است. او زبان رمزپردازی را زبان رسمی و کلید فهم علم قدسی می‌داند و رمز یا نماد را بازتاب یا جلوه مرتبه اشرف وجود بر مرتبه اخص وجود عنوان کرده است و کار رمز را تجلی واقعیت قدسی می‌داند. علت اینکه علم قدسی به زبان رمز، القای معانی می‌کند اینکه این علم از حقیقتی ورای قلمرو و واقعیت علم پرده برمی‌دارد (نصر، ۱۳۸۵، ص ۳۰۶).

##### ۵. علم دینی از منظر دکتر نصر

دکتر نصر در آثار خود همان‌گونه که ذکر شد، بیشتر از اصطلاح علم قدسی برای موضوع علم دینی استفاده می‌کند و از علم و هنر قدسی در مقابل علوم جدید یاد می‌کند. رویکرد وی در علم دینی مبتنی بر میانی و زیرساخت‌ها و شاخصه‌هایی است که برگرفته از تمدن اسلامی و

شکل گرفته در فضای آن می‌باشد. او معتقد است:

مسلمین در برهه‌ای از تاریخ خود که قرن‌ها به‌طول انجامیده است، دانش‌هایی را تولید نموده‌اند که مجموعه این دانش‌ها در آن دوران را می‌توان علم دینی قلمداد کرد؛ بنابراین به تولید مجدد علمی نیاز نداریم، بلکه بازتولید آنها را باید سرلوحه تفکر اسلامی خود قرار دهیم و همت اصلی را باید صرف احیای دانش‌هایی نمود که تحت عنوان علوم اسلامی در دوره‌ای از تمدن اسلامی شکل گرفته و نمو یافته‌اند و در دفاع از هویت و سنت اسلامی کاربرد مفید داشته و دارند (همو، ۱۳۸۴، ب، ص ۱۲۱/ همو، ۱۳۸۵، ص ۵۴-۵۵).

فضای بناشده در تولید علم دینی توسط مسلمانان با رویکرد موجود در غرب تفاوت کامل و بنیادی دارد؛ براین اساس می‌توان اظهار داشت ما علوم دینی اسلامی داشته‌ایم و باید به احیای آن پردازیم و علم دینی در پرتو تعالیم اسلامی شکل گرفته و رشد یافته است (همو، ۱۳۸۴، ب، ص ۱۳۰). به‌تعبیر دکتر نصر، علم مقدس، آنچه را که علم مدرن به‌دست آورده است، نفی نمی‌کند، بلکه نوع دیگری از معرفت به جهان را که ریشه در واقعیت مقدس دارد، فراهم می‌سازد؛ پس باید علم دینی را احیا کرد و با نگرش خاضعانه، روحیه خودباوری را در خود تقویت نمود (همو، ۱۳۸۷، ص ۳۴/ رجبی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۰).

دکتر نصر توجه به تمدن اسلامی را برای احیا و ترویج علم دینی بسیار مؤثر می‌داند و بر این باور است که مسلمانان به‌دلایل گوناگون دچار رکود تمدنی شده‌اند. از نظر او علم دینی نوعی گفت‌وگو میان اسلام و علم است که در تمدن گذشته این امر حاصل شده است (اقبال،



۱۳۹۰، ص ۱۴) و تمدن اسلامی که در اوج تمدن‌ها قرار دارد، دارای این ظرفیت می‌باشد که بتواند معنویت و رویکرد قدسی را در همه سطوح زندگی انسانی محقق سازد و برای این کار برداشتن دو گام لازم است: گام نخست، نقد دنیای معاصر غربی و گام دوم، احیای تمدن و سنت اسلامی (نصر، ۱۳۸۵، الف، ص ۲۷۵).

او برای عملی‌ساختن گام‌های مذکور به جوانان مسلمان توصیه می‌کند: اولاً، برای احیا و اصلاح باید از خود شروع کنند و باید ایمان و عقیده خود را حفظ کنند و به صدق و حقانیت وحی و قرآن اعتماد کامل داشته باشند و بدانند دنیای متجدد، رو به تباهی است و درصدد است تا آنچه را دینی است، از میان ببرد؛ ثانیاً، باید آن‌چنان نسبت به اصول و سنت دینی خود عمیقاً مطالعه و آگاهی داشته باشند که بتوانند به چالش‌های مدرنیسم و چالش‌هایی که علم جدید به وجود آورده، پاسخ قاطع و عقلانی بدهند (همو، ۱۳۷۵، ص ۳۵۲-۳۵۶ / همو، ۱۳۷۷، ب، ص ۲۴۹ / همو، ۱۳۸۵، الف، ص ۲۷۵ / همو، ۱۳۸۵، ب، ص ۳۰۰).

## ۶. شاخصه‌های علم دینی

مهم‌ترین شاخصه‌های علم دینی از دیدگاه دکتر نصر عبارت است از: مبتنی بر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی عمیق دینی و الهی، دارای منشأ و حیاتی و توجه به مبدأ الهی، ظاهر و باطن‌داشتن علم و توجه جدی به باطن، ارائه جهان‌بینی توحیدی برای احیای تمدن اسلامی، تأکید بر انسان‌مداری اسلامی با رهیافت الهی، تلفیق علم با اخلاق اسلامی از طریق ساختارهای نظری و مبانی فلسفی، گرایش به معنویت و توجه به هویت



معنوی انسان، برخوردار از مبانی متافیزیکی و مابعدالطبیعه علم به جای مبانی سکولار، احیای معرفت‌گرایی و بازگشت به هویت انسانی و توجه اصیل به آن، کیفیت‌گرایی و توجه به جنبه‌های کیفی (ر.ک: همو، ۱۳۷۹، صص ۱۹۸ و ۲۵۲ / همو، ۱۳۸۵، الف، ص ۲۸۴ / همو، ۱۳۸۶، ب، ج ۳، صص ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۴۳ و ۱۷۴ / همو، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴ / همو، ۱۳۹۲، صص ۸۰-۸۵).

### ۷. نقد و بررسی علم دینی

نویسنده معتقد است نظریه علم دینی دکتر سیدحسین نصر از آنجاکه دارای امتیازهای ویژه و نقاط قوت و مطلوبی است، از نقاط ضعف و نارسا نیز برخوردار می‌باشد؛ بنابراین نقدهای علمی و سازنده بر آن وارد است که در بخش پایانی نوشتار بدان‌ها اشاره می‌گردد.

#### ۷-۱. نقاط قوت

دیدگاه‌های دکتر سیدحسین نصر در توجه به علم قدسی و احیای سنت بسیار مهم است؛ زیرا اصل سنت‌گرایی به‌دلیل توجه و گرایش به معنویت، دارای نقش و جایگاه خاصی در دنیای مدرن می‌باشد. دکتر سیدحسین نصر از خطر تجدد و مدرنیته آگاهی یافته و می‌کوشد راهی برای برون‌رفت از این بحران ارائه دهد. تلاش وی در ارائه تصویری از اسلام و اسلام سنتی در جهان جدید، بسیار ستودنی است؛ زیرا از نگاه او علم دینی و تمدن اسلامی دارای اصول، مبانی و ارزش‌های عالی است که در دنیای جدید می‌تواند نقش





اساسی را ایفا کند.

دکتر نصر در ارائه نظریه علم دینی و شاخصه‌های آن تحت تأثیر علم‌گرایی جدید غرب واقع نشده و به‌طور صریح علوم جدید را به نقد و چالش کشیده است و ندای احیای سنت و بازگشت و رجوع به علم مقدس را در برابر مدرنیته سر داده است.

او برای دستیابی به علم اصیل دینی پیشنهادهای مطلوب و عملی ارائه کرده است:

- روشنفکران و متفکران اسلامی باید نگرش علم‌گرایی محض خود را نسبت به علم و فناوری جدید غرب تغییر دهند. آنان باید بر اساس یک جهان‌بینی مستقل اسلامی و عزت‌نفس، علوم و فناوری جدید غرب را مورد نقد و بررسی مجدد قرار دهند.

- برای احیای علوم اسلامی باید منابع اصیل اسلامی و سنتی مورد شناسایی و بررسی قرار گیرند تا بتوان بر اساس آموزه‌های اسلامی یک جهان‌بینی توحیدی کسب کرد و مفهوم اسلامی طبیعت و علوم طبیعی را در این عرصه تحلیل و ارائه داد.

- باید تعداد زیادی از دانشجویان مسلمان در زمینه‌های علوم جدید و علوم محض در سطوح عالی به تحصیل بپردازند و علوم جدید را فرا گیرند و بتوانند شالوده‌ها و مبانی نظری و فلسفی این علوم را آگاهانه مورد نقد و تحلیل قرار دهند تا بسترهای لازم برای تولید و ایجاد علم دینی فراهم گردد.

- اقدام مهم دیگر احیای مجدد علوم اسلامی و سنتی به‌خصوص پزشکی، داروشناسی کشاورزی و معماری اسلامی است. این اقدام سبب اعتماد به فرهنگ اسلامی خواهد بود و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی مطلوبی را

به‌دنبال خواهد داشت.

- اقدام اساسی دیگر برای تولید و ایجاد علم دینی و اسلامی، تلفیق علم با اخلاق از طریق ساختارهای نظری و مبانی فلسفی علم است؛ زیرا در عصر جدید میان علم و اخلاقیات هیچ‌گونه پیوند منطقی وجود ندارد (ر.ک: همو، ۱۳۹۲، ص ۸۰-۸۵ / قمی اوپلی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۴-۲۰۵).

## ۷-۲. نقاط ضعف و آسیب‌ها

۱. دکتر سیحسین نصر تمامی محاسن دنیای مدرن را عرضی می‌داند و ذاتاً علم مدرن را شرّ دانسته است و حتی خوبی‌های قابل تبیین برای علم مدرن را به‌خاطر منتسب‌بودن به سنّت می‌داند، ولی برای مدعای خویش دلیل محکم و قابل قبولی ارائه نکرده است؛ مثلاً روشن و درست بیان نکرده است که چرا انتصاب به سنّت باعث امتیاز می‌شود.

از سوی دیگر این نقد وارد است که در هیچ ساحتی نمی‌توان اموری را صرفاً به‌خاطر انتساب به سنّت یا سنّتی‌بودن خوب دانست یا چیزی را به‌خاطر مدرن‌بودن بد و شرّ قلمداد کرد، بلکه برای ارزش‌گذاری باید ملاک‌ها و معیار ثابتی داشته باشد و صرف وابستگی به سنّت، معیاری برای معتبربودن نمی‌گردد (ر.ک: حسنی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹۵).

۲. دکتر نصر معتقد است باید مبانی متافیزیکی علم را جایگزین مبانی سکولار علم جدید کرد، اما راهکاری در این‌مورد ارائه نمی‌کند؛ یعنی چگونگی این کار را ذکر نکرده است.

۳. سنّت‌گرایان از اصول مشترک در همه سنّت‌ها و ادیان گذشته سخن می‌گویند، اما به‌طور صریح بیان نکرده‌اند که این اصول مشترک چیست و



کدام‌اند؟ فقط به‌صورت کلی و مبهم نشانه‌هایی از آن را ذکر کرده‌اند.  
 ۴. سنتی که سنت‌گرایان و دکتر نصر به‌دنبال احیای آن‌اند، بازگشت‌پذیر نیست؛ زیرا زندگی جوامع بشری در بستر زمان در حال تغییر و تحول است و بازگرداندن جوامع امروزی به سنت گذشته امری نشدنی است (ر.ک: قمی اوپلی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۶/ دین‌پرست، ۱۳۸۵، ص ۶۳).

سنت‌گرایان و دکتر نصر که راه رسیدن به حکمت خالده را فقط عقل شهودی می‌دانند، آیا خودشان آن را اکتساب کرده‌اند؟ یا اینکه فقط قابلیت حصول را ذکر کرده و مدعی شده‌اند؟ این مسئله باید مشخص و پاسخ داده شود.

۵. با بررسی دیدگاه‌ها و مبانی دکتر نصر در آسیب‌شناسی تمدن غرب و بحران‌های ناشی از آن و بیان ویژگی‌های سنت، مشخص می‌گردد طرحی که ضمانت اجرایی برای جهان امروزی را دارا باشد و بتوان با قوت و صلابت از آن دفاع کرد و جامعه جهانی را به بازگشتی اصیل و سرنوشت‌ساز فراخواند، ارائه نشده است. باوجود این چگونه می‌توان از واقعیت‌های علم جدید چشم پوشید و به سنت گذشته رجوع کرد؟

۶. دکتر نصر در عین نقد مبانی علم جدید، ضرورت استفاده از آن را نیز نفی نکرده است؛ زیرا روی‌گرداندن از واقعیت‌ها و نتایج مثبت علم و بازگشت به شیوه زندگی قرون گذشته نه تنها غیرعقلانی است، بلکه غیرممکن به‌نظر می‌رسد (ر.ک: قربانی، ۱۳۸۹، صص ۳۵ و ۳۴۹/ قمی اوپلی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۷).

صرف تأکید بر زیانبار بودن علم مدرن و به نقد و چالش کشیدن آن



نمی‌تواند پاسخ‌گوی معضلات انسان معاصر باشد. دکتر نصر و سنت‌گرایان دیگر، مدرنیته را مورد نقد قرار داده‌اند، ولی نتوانسته‌اند هیچ تغییر بنیادی در آن به‌وجود آورند. باید راهکار عملی ارائه داد. صرف نقد و انتقاد مشکلی را حل نخواهد کرد.

۷. دو پرسش مطرح دیگری که از دکتر نصر وجود دارد اینکه اولاً، آیا علم قدسی و حکمت خالده همه شرایط و ضوابط لازم برای ورود به عرصه علوم طبیعی و علوم پایه را دارند؟ ثانیاً، چرا سنت‌گرایان در حکمت خالده برای عقل استدلالی هیچ اعتبار و ارزشی قائل نیستند، درحالی‌که در حکمت و عرفان اسلامی عقل جزئی در صورتی که مشوب به وهم و خیال نباشد، مورد اعتنا بوده و حکما و عرفای اسلامی بر داده‌های عقل جزئی نیز تأکید داشته‌اند.

۸. مشخص‌نبودن ماهیت و حدود علم در آرا و افکار دکتر نصر نیز مسئله‌ای دیگر است که از ضعف و نقص نظریه وی در عرصه علم دینی پرده برمی‌دارد؛ زیرا او گاهی علم غربی را ذاتاً شرّ و غیراخلاقی می‌داند که در اینجا به‌نظر نمی‌رسد رویکرد کلی‌گرایی داشته و تمامی علوم را شرّ پنداشته باشد و در مقابل گاهی از نتایج مفید یا مشروعیت علوم جدید سخن گفته است که در این مورد نیز رویکرد کل‌گرایانه به علم ندارد (ر.ک: حسنی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹۶).

### نتیجه

از میان نظریه‌ها و رویکردهای گوناگون ارائه‌شده در موضوع علم دینی، برخی از آنها ناظر به تمدن اسلامی و توجه ملموس و جدی به آن



است که دیدگاه و اندیشه‌های دکتر سیدحسین نصر از آن جمله است. در رویکرد دکتر نصر نسبت به علم دینی، بر فرهنگ‌سازی علم قدسی با تأکید بر سنت و حکمت خالده تأکید می‌شود و مسئله احیای تمدن اسلامی مطرح می‌شود.

دکتر سیدحسین نصر علوم جدید یا رایج غربی را در تعارض با دین اسلام می‌داند، اما در عرصه علوم دینی، همه آنها را الهی دانسته است. او آسیب رایج در علوم موجود غربی را از ناحیه عالم و معلوم می‌پندارد، نه از ناحیه خود علم.

دکتر سیدحسین نصر تمدن اسلامی را صرفاً در بازسازی مجدد و بازگشت به میراث گذشتگان مفید می‌داند؛ بدین‌جهت دیدگاه او در این باره از ظرفیت‌های بسیار محدودی برخوردار است.

دکتر سیدحسین نصر در پروژه معرفت قدسی، از مسئله گسست معرفتی پرده برمی‌دارد. او از این گسست با عنوان معرفت تقدس‌زدایی شده یاد می‌کند و معتقد است این گسست پیش از هرچیز در حوزه خود تفکر ظاهر شد و مقصود از حوزه تفکر این است که عقلانیت استدلالی با فروافکندن تعقل شهودی، مرزهای معرفت قدسی را از میان برد و علم قدسی دیگر جوهره الهی را در خود ندارد (نصر، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳).

دکتر سیدحسین نصر کلیت مدرنیته و دنیای مدرن و حتی لوازم معرفتی و اخلاقی آن را قبول ندارد؛ زیرا مدرنیسم در فهم ماهیت انسان و چیستی که از واقعیت دارد. دچار اشتباه شده است. او بدین‌جهت نفع و نتایج مثبت مدرنیته را اگر هم داشته یا دارد، عرضی می‌داند و اعتقاد دارد عالم متجدد ذاتاً شرّ و عرضاً خیر است و این مسئله پیامدهای منفی و نتایج زیانباری



را به‌دنبال داشته است که در محتوا به آنها اشاره شد. اگرچه تلاش و اهتمام دکتر سیحسین نصر به احیای سنت، رجوع به علم قدسی و دغدغه‌هایش بر نبود معنویت و نقد مدرنیته ستودنی و حائز اهمیت است و نیز انسان معاصر را به خویشتن خویش آگاهی داده و زیان‌های غرب‌گرایی را برای او روشن نموده است، ولی باوجود ابهام در ارائه راهکارهای مناسب و اجرایی، باید عنوان کرد که بازگشت به سنت نیز در عصر حاضر مبهم می‌باشد و نظریه وی در طرح علم قدسی و توجه به علم دینی عملاً غیرقابل تحقق است.

## منابع

۱. اقبال، مظفر؛ اسلام، علم مسلمانان و فناوری (گفت‌وگویی دکتر سیدحسین نصر با دکتر مظفر اقبال)؛ ترجمه سیدامیرحسین اصغری؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰.
۲. بیستان، حسین؛ گامی به سوی علم دینی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۳. بهنیا، احمدرضا؛ «آسیب‌شناسی فرهنگ و تمدن اسلامی در زمینه تولید علم در جهان امروز»، فصلنامه علوم اسلامی؛ ش ۱۳، پاییز ۱۳۸۸، ص ۲-۶.
۴. جوادی آملی، عبدالله؛ انتظار بشر از دین؛ تنظیم محمدرضا مصطفی‌پور؛ قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۲.
۵. —؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، فطرت در قرآن؛ تنظیم محمدرضا مصطفی‌پور؛ ج ۱۲، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۶. حسنی، سیدحمیدرضا و همکاران؛ علم دینی، دیدگاه‌ها و ملاحظات؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۷. دلاور، علی؛ مبانی نظری و علمی پژوهش؛ تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۸.
۸. دین‌پرست، منوچهر؛ «علم دینی و سنتی از نگاه دکتر نصر»، فصلنامه ذهن؛ ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۵، ص ۵۷-۸۰.
۹. رجبی، ابوزر؛ «بررسی تطبیقی رهیافت آیت‌الله جوادی آملی و دکتر نصر در علم دینی تمدن‌ساز»، دوفصلنامه عقل و دین؛ ش ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۹۵-۱۲۱.



۱۰. سلطانی رنای، سیدمهدی؛ «تحلیلی بر مفهوم‌شناسی و شاخصه‌های علم دینی در اندیشه علامه جوادی آملی»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی توسعه و تعالی علوم بر پایه عقلانیت و حیاتی؛ تهران: پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.
۱۱. عالمی، سیدعلیرضا؛ *آسیب‌شناسی تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های سیدحسین نصر؛ قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)، ۱۳۸۹.*
۱۲. فتحعلی‌خانی، محمد؛ «علم دینی»، روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه سابق)؛ ش ۱۶ و ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۷، ص ۷۴-۹۰.
۱۳. قربانی، قدرت‌الله؛ *نقد و بررسی نظریات امکان علم دینی (رساله دکتری)؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۹.*
۱۴. قمی اوپلی، محمد؛ «بررسی و نقد دیدگاه‌های سیدحسین نصر درباره علم اسلامی»، *مجله آسفار؛ ش ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۸۷-۲۱۰.*
۱۵. مهدوی، منصور؛ *سنجش سنت؛ تهران: نشر اشراق، ۱۳۹۱.*
۱۶. نصر، سیدحسین؛ «جهان‌بینی اسلامی و علم جدید»، *فصلنامه فرهنگ؛ ترجمه ضیاء تاج‌الدینی؛ ش ۳۰، تابستان ۱۳۷۷، الف، ص ۴۲-۶۷.*
۱۷. —؛ *اسلام و تنگناهای انسان متجدد؛ ترجمه انشاءالله رحمتی؛ چ ۲، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۵، الف.*
۱۸. —؛ *انسان و طبیعت، بحران معنوی انسان متجدد؛ ترجمه عبدالرحیم گواهی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگی، ۱۳۸۴، الف.*
۱۹. —؛ *آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام؛ ترجمه شهاب‌الدین عباسی؛ تهران: سهروردی، ۱۳۸۳، الف.*
۲۰. —؛ «تأملاتی درباره انسان و آینده تمدن»، *پژوهش‌های علوم انسانی؛ ترجمه مرتضی فتحی‌زاده؛ ش ۴، زمستان ۱۳۷۹، ب، ص ۹۳-۱۲۲.*



۲۱. —؛ «معرفت جاودان»، مجموعه مقالات سیحسین نصر؛ به اهتمام حسن حسینی؛ تهران: مهر نیوشا، ۱۳۸۶، ب.
۲۲. —؛ «معنویت و علم، همگرایی یا واگرایی»، نشریه نقد و نظر؛ ترجمه فروزان راسخی؛ ش ۳۴، زمستان و بهار ۱۳۷۷، ب، ص ۲۳۱-۲۵۲.
۲۳. —؛ *اسلام و تنگناهای انسان متجدد*؛ ترجمه انشاءالله رحمتی؛ چ ۱، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۳، ب.
۲۴. —؛ *جوان مسلمان و دنیای متجدد*؛ ترجمه مرتضی اسعدی؛ تهران: طرح نو، ۱۳۸۴، ب.
۲۵. —؛ *در جست‌وجوی امر قدسی (گفت‌وگوی رامین جهانگللو با دکتر نصر)*؛ ترجمه مصطفی شهرآیینی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۵، ب.
۲۶. —؛ *علم و تمدن در اسلام*؛ ترجمه احمد آرام؛ چ ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴، ج.
۲۷. —؛ *معرفت و معنویت*؛ ترجمه انشاءالله رحمتی؛ چ ۲ و ۳، تهران: دفتر نشر سهروردی، ۱۳۸۵، ج.
۲۸. —؛ *نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت*؛ چ ۴، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۷، ج.
۲۹. —؛ *نیاز به علم مقدس*؛ ترجمه حسن میانداری؛ چ ۱ و ۲، قم: مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹، ج.
۳۰. —؛ «دین و بحران زیست‌محیطی»، *نقد و نظر*؛ ترجمه محسن مدیر شانه‌چی؛ ش ۱ و ۲، زمستان و بهار ۱۳۷۷، ص ۱۰۷-۱۳۲.
۳۱. —؛ «سنت، عقلانیت و دیانت»، *فصلنامه هفت آسمان*؛ ش ۳۳، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۷-۳۸.
۳۲. —؛ *جوان مسلمان و دنیای متجدد*؛ ترجمه مرتضی اسعدی؛ تهران: طرح نو، ۱۳۷۵.

۳۳. — ؛ جهان‌بینی اسلامی و علم جدید؛ ترجمه ضیاء‌الدین تاج‌الدینی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۳۴. — ؛ بین و نظام طبیعت؛ ترجمه محمدحسن فغفوری؛ تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۸۹.
۳۵. — ؛ علم و تمدن در اسلام؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹.
۳۶. — ؛ قلب اسلام؛ ترجمه مصطفی شهرآیینی؛ تهران: نشر حقیقت، ۱۳۸۳.
۳۷. — ؛ معرفت و امر قدسی؛ ترجمه فرزاد حاجی‌میرزایی؛ تهران: نشر و پژوهش فرزادروز، ۱۳۸۰.
۳۸. — ؛ معرفت و معنویت؛ ترجمه انشاءالله رحمتی؛ چ ۲ و ۳، تهران: دفتر نشر سهروردی، ۱۳۸۱.
۳۹. — ؛ نیاز به علم مقدس؛ ترجمه حسن میان‌داری؛ چ ۱ و ۲، قم: مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۲.

